

«سونامی» دیگر، نولبر الیسم و قربانیان «نظم نوین»



ادامه در صفحات ۴

به قلم «جان پیلجر»، روزنامه نگار متوقی و مشهور غرب * کمکی که پستانزان جنگ های صلیبی غرب، آمریکا و انگلستان، به قربانیان سونامی می کنند کمتر از خرج یک بمب افکن یا یک هفته اشغال خونین عراق است. * با پولی که هزینه جشن ریاست جمهوری بوش شد، می توان بخش بزرگی از ساحل های سریلانکا را بازسازی کرد.

* بوش و بلر تنها زمانی به افزایش «کمک» هایشان مبادرت کردند که روشن شد مردم سراسر دنیا میلیون ها دلار کمک کرده اند و این منجر به یک معضل روابط عمومی برای این دو رهبر «جهان آزاد» شد.



شماره ۷۰۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۹ دی ماه ۱۳۸۳

کارزار انتخاباتی کمونیست های عراق: «مبارزه ای بین مرگ و زندگی» در ص ۸

نگاهی به مصوبات اقتصادی اخیر مجلس

دراوضاع بسیار متحول کنونی میهن ما، نیروهای واپس گرا به انواع مختلف می کوشند موقعیت خود را تثبیت کرده و منافع سرشاری را که طی دودهمه، به بهای نابودی پایه های مادی و معنوی کشور کسب کرده اند، همچنان حفظ نمایند.

در این خصوص بویژه باید به مانورهای ریاکارانه ارتجاع در مجلس هفتم اشاره کرد. طی چند هفته اخیر، احمد توکلی یکی از چهره های سرشناس واپس گرایان که اینک مقام ریاست مرکز پژوهش های مجلس را یدک می کشد؛ با طرح و تدوین چند لایحه اقتصادی جنجال پیا کرده است. مجلس تحت اشغال ارتجاع بادو طرح در زمینه مسایل اقتصادی یکی کاهش نرخ بهره و دیگری طرح تثبیت قیمت کالاها به زعم خود کوشیده است شرایط دشوار و بحرانی حاکم بر جامعه را تخفیف داده و از این رهگذر چهره غدار و ضد مردمی خود را زیر پوشش حمایت از قشرهای محروم پنهان کند. این دو طرح و چند لایحه مشابه آن در عین حال دستاویز مدافعان اجرای برنامه های دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار گرفته و آنها که در دفاع از خصوصی سازی تفاوت ماهوی با توکلی و امثال او ندارند، اقدامات فوق را عدالت طلبی

ادامه در صفحه ۳

آمادگی رفسنجانی و شرکاء برای «گام های بزرگ و اتفاقات مهم»

و هاشمی رفسنجانی را پشت میز گفتگو نشانند. .. او اکنون در آستانه تصمیمی بزرگ برای ایفای نقشی موثر در صحنه سیاسی ایران است! .. با این مقدمه و معرفی، رفسنجانی پای میز مصاحبه نشسته و به تبلیغ نظرات و برنامه های خود می پردازد.

رفسنجانی در زمینه مسایل اقتصادی - سیاسی و روابط خارجی برنامه ها و دیدگاه های خود را ارایه داده و اطمینان می دهد سیاست اصلاح ساختار اقتصادی با محدودیت تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی نیروی کار و تداوم خصوصی سازی متوقف نخواهد شد و او بیش تر و بهتر از هر فرد دیگری مجری برنامه هایی خواهد بود که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول خواستار اجرای آن در ایران هستند. وی از جمله یادآور گردید: «رهبری دوسال پیش نامه ای به مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشتند که ما سیاست های کلی موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی را بررسی کنیم، ما حتی مقداری از آن حد که رهبر خواسته بودند، تعدیل کردیم، البته مخالفت هایی هم شد، اما کم اثر بود. ما ادامه دادیم. .. من نگران بازگشت نیستیم، از اینکه با شعارها یا تصمیمات مقطعی شوک هایی به اقتصاد وارد شود و ثبات را مخدوش کند نگران

ادامه در صفحه ۶

تلاش برای برگزاری «انتخابات حداکثری» نهمین دوره ریاست جمهوری در رژیم ولایت فقیه، از سوی جناح بندی های گوناگون با حرارت بسیار جریان دارد. در میان این تبلیغات پُرسرو صدا و تشکیل ستادهای مختلف انتخاباتی و برگزاری همایش و نشست و سمینار، رفسنجانی و وابستگان او بسیار فعالند و گرچه می کوشند اقدامات خود را متناسب با آهنگ فعالیت جناح های دیگر و تحولات داخلی و خارجی هماهنگ ساخته و تالظه مناسب رسماً حضور خود را اعلام نکنند، اما فعالیت آشکار و پنهان گسترده ای از سوی آنها در سطوح مختلف در حال اجرا است.

شخص رفسنجانی چندی پیش در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه دنیای اقتصاد رئوس کلی برنامه های خود را بازگو کرد. این مصاحبه نشان گر عزم جدی رفسنجانی برای حضور در «انتخابات» و اشغال کرسی ریاست جمهوری است. در همین زمینه موضع گیری اشخاص پرنفوذی چون مهدوی کنی و مشکینی، در دفاع از نامزدی رفسنجانی، نیز حائز اهمیت جدی است. روزنامه دنیای اقتصاد در معرفی رفسنجانی و علت برگزاری مصاحبه اختصاصی با او می نویسد: «ایران دوباره به زمان تصمیم گیری تاریخی و یاهمان بزنگاه نزدیک می شود. نقطه عزیمت این مرحله و چشم اندازی که برای ورود می توان تصور کرد، پرستی بود که روزنامه دنیای اقتصاد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مبارزات پراکنده ای که باید سازمان دهی شود

امروزه بیش از هر زمان دیگری اهمیت تشکیل سندیکاهایی واقعی و مردمی و متشکل که در هایش به روی همه مزدبگیران باز باشد و سدی در برابر یورش به منافع صنفی - رفاهی زحمتکشان ایجاد کند، احساس می شود. ژرفش بحران اقتصادی - اجتماعی در کشور، انبوه میلیونی مزدبگیران را در شرایط ناگواری قرار داده است. تورم لگام گسیخته، گرانی اجناس و مایحتاج ضرور و اولیه در کنار سقوط مداوم سطح دستمزدها، سبب گردیده زحمتکشان میهن ما با دشواری های توان فرسا روبرو باشند. این مشکلات، یک سلسله اعتراضات با سطوح مختلف سازماندهی را در میان زحمتکشان پدید آورده است که، اخبار جسته گریخته آن در رسانه های همگانی دیده می شود.

در ماههای اخیر، در کنار مبارزات گسترده اما پراکنده طبقه کارگری بخشی از مزدبگیران شامل کارمندان رده پایین، فرهنگیان و پرستاران، مجموعه اعتراض هایی را به وضعیت ناگوار خود برپا داشته اند که از اهمیت جدی برخوردار است. پرستاران و کارکنان بخش بهداشت و درمان به دنبال رشته مبارزات خود، تحصنی را روزیکشنبه ۲۰ دی ماه، در مقابل ساختمان نوگشوده مجلس، در میدان بهارستان، برگزار کردند. این تحصن نیز مانند اقدام های پیشین دستاورد قابل توجهی در پی نداشت. پرستاران معترض که گروهی از اعضای اتحادیه کارکنان بیمارستان ها نیز به عنوان همبستگی در میان آنها حضور داشتند، بار دیگر خواست های به حق خود نظیر «توقف برنامه خصوصی سازی، افزایش سطح دستمزد» و جزاینها را در شعارها و پلاکاردهای خود بازتاب داده بودند، به مدت چندین ساعت دست به تحصن زدند. از جمله پلاکاردهایی که جلب توجه می کرد شعارهای: «لغو خصوصی سازی»، «مجاز استخدام پرستاران را صادر کنید»، «جان مردم را به دست اندیشه های فرصت طلبانه و بازار مسلکانه ندهید»، و «شغل پرستاری باید جزء کارهای سخت و زیان آور باشد»، بود. همان گونه که اشاره شد، حضور و شرکت گروهی از اعضای اتحادیه کارکنان بیمارستان ها در این حرکت اعتراضی، شایان توجه و نمونه جالبی از ابراز همبستگی زحمتکشان با هم به شمار می آید. در همین رابطه رییس اتحادیه مذکور به خبرنگار ایسنا گفت: «ما خواستار بازنگری مطالبات پرستاران بخش خصوصی هستیم؛ انجمن صنفی کارفرمایان بیمارستان های خصوصی کارشکنی می کند... ما به حمایت از کیان شغل پرستاری در تحصن حضور داریم». وی سپس به درستی یادآور گردید: «پرستاران برای دفاع از حقوق صنفی خود انسجام لازم را ندارند».

تقریباً همزمان با تحصن پرستاران در مقابل ساختمان نوگشایش یافته مجلس، گروه هایی از فرهنگیان کشور، به انواع مختلف صدای اعتراضی خود را به شرایط اسف بار موجود بلند کردند. ایسنا در تاریخ ۲۰ دی ماه گزارش داد: «گروهی از آموزگاران و دبیران اعزامی به مدارس خارج کشور با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه خود و عدم اجرای مصوبات هیات دولت در خصوص میزان دستمزد و مزایای شان اعتراض کردند. نماینده این فرهنگیان معترض اعلام داشت: سازمان مدیریت و برنامه ریزی مانع از پرداخت فوق العاده ۵۰ میلیارد تومانی فرهنگیان است».

واقعیت این است که اعتراض های پراکنده آموزگاران و دبیران در چند

ماه اخیر بویژه در شهرهای تهران، تبریز، شیراز، رشت و اهواز تاکنون نتوانسته است سران رژیم را به توجه و بررسی خواست های فرهنگیان محروم و شریف کشور وادار کند. دبیر کانون صنفی معلمان در گفتگویی باخبرگزاری کار ایران - ایلنا در این خصوص با صراحت از فشار ارگان های امنیتی به تجمعات صنفی فرهنگیان سخن می گوید. وی به ایلنا در تاریخ ۲۰ دی ماه امسال گفت: «باتوجه به محدودیت هایی که برای کانون ایجاد شده، نمی توانیم هیچ اقدام موثری انجام دهیم... مشکلات فرهنگیان بسیار است».

فرهنگیان نیز همانند پرستاران با سقوط سطح زندگی روبرو هستند. میزان دستمزد آموزگاران و دبیران بسیار پایین تر از نرخ واقعی تورم است. واقعیت اینست که محاسبه دستمزد فرهنگیان با ضریب تورم سال گذشته، در تعیین دستمزد آنها به شدت به زیان این قشر زحمتکش و پرورش دهنده نسل های آینده است. فرهنگیان، پرستاران و بخش بزرگی از کارمندان رده پایین سازمان ها و ادارات دولتی و خصوصی نیز همچون کارگران از ناحیه برنامه های سوم توسعه و برنامه آینده، یعنی برنامه چهارم توسعه که سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم واپس مانده ولایت فقیه را تشکیل می دهد دچار آسیب جدی می گردند.

در این مجموعه برنامه ها تامین امنیت سرمایه به بهای سقوط سطح زندگی تمامی زحمتکشان فکری و یدی نکته محوری و تعیین کننده است و کلیه جناح بندی های رژیم از آن حمایت می کنند. همین برنامه هاست که منجر به پامال شدن امنیت شغلی مزدبگیران و لاجرم فقر و تنگدستی آنان شده و اعتراضات آنها را نظیر اعتراضات پرستاران و فرهنگیان بر می انگیزد.

مروری به اخبار و گزارشات بازتاب یافته در رسانه های همگانی ژرفای این جنبش اعتراضی را نشان می دهد. جنبشی که از سطح سازمان دهی و همبستگی مناسب به دلیل نبود سازمان دهنی مستقل صنفی، یعنی سندیکاهای واقعی، بطور عمده ناکام است. در کنار اعتراض های فرهنگیان و پرستاران در ماه های اخیر طبقه کارگر نیز اعتراض های مشابهی را سازمان داده است که با سطح ضعیف تشکیلاتی توأم بوده است. از جمله این اعتراض ها و اعتصاب ها می توان از اعتصاب کارگران نورد اهواز، کارگران کارخانه روغن نباتی رامون فریمان، کارگران نساجی اکباتان، رینگ سازی مشهد و کارگران قراردادی (قرارداد موقت) طرح میدان گازی پارس جنوبی در استان بوشهر نام برد، که همگی بدون نتیجه مثبت پایان یافتند.

همان گونه که بارها اشاره کرده ایم، یگانه راه برای تامین منافع صنفی - رفاهی کارگران، زحمتکشان و مجموعه مزدبگیران کشور که همگی در شرایط وخیم بسر می برند، ایجاد سندیکا و احیاء حقوق سندیکایی زحمتکشان است.

باید با تلاشی خستگی ناپذیر در این راه گام برداشت، مبارزات پراکنده را سازمان داد و از هم اکنون زمینه های ایجاد یک سازمان سندیکایی نیرومند و متشکل را که در هایش به روی همه مزدبگیران باز باشد، فراهم ساخت و با اطمینان مانع از پامال شدن امنیت شغلی زحمتکشان شده، از حقوق و منافع صنفی - رفاهی آنان حمایت کرد.

ادامه نگاهی به مصوبات اقتصادی...

بیهوده، آرمان گرایی، اقتصاد دولتی، اقتصاد شبه سوسیالیستی و غیره نامیده و در دفاع از نسخه های بانک جهانی برآمده اند.

نخست باید اشاره کرد، یکی از دانستن و مترادف خواندن برنامه عناصر مرتجعی چون توکلی و مصباحی مقدم و امثالهم با عدالت اجتماعی، آرمان گرایی و سوسیالیسم، اگر از سرنا آگاهی نباشد که نیست، نشانه ضعف منطق کسانی است که برای تایید نظرات غیر علمی و ضد مردمی خود به دروغ متوسل می شوند و از این رو به نادرستی اندیشه خود نیز اعتراف کرده و به آن مهر تایید می زنند. بعلاوه، اقدامات اخیر و مصوبات ولوایح مجلس از جمله طرح تثبیت قیمت ها و کاهش نرخ بهره، در اوضاع کنونی با هدفی خاص طرح و تبلیغ می گردد. هدف در عین اینکه فشار به دولت خاتمی و فلج ساختن آن است، تامین منافع انگلی ترین لایه سرمایه داری ایران را مدنظر دارد.

تمام ماجرا بر سر تصاحب میلیاردها دلار ثروت مردم ایران است. احمد توکلی در دفاع از کاهش نرخ بهره می گوید: «دولت می خواهد برنامه بانک جهانی را که بر افزایش قیمت ها مبتنی است اجرا کند... ما باین برنامه موافق نیستیم و می خواهیم قیمت ها را تثبیت کنیم... بانک ها ملزم می شوند بهره بانکی خود را کاهش دهند... ما به متفاوت کاهش نرخ بهره بانکی از محل حساب ذخیره ارزی پرداخت خواهد شد.» آنچه در اینجا توکلی به آن نظر دارد، میزان پولی است که در صندوق ذخیره ارزی موجود است و باید به سود تجار و دلالان و به زیان زحمتکشان و قشرهای میانه حال تصاحب و غارت گردد. یکی از معاونان وزارت اقتصاد در مصاحبه ای با روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۱۳ دی ماه درباره طرح توکلی و هزینه های این طرح یاد آورده شد: «در سال آتی طبق برآورد بانک جهانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی باید ۴ میلیارد ریال به خرید فرآورده های گوناگون اختصاص دهیم و باتوجه به نبود چنین رقمی در بودجه جاری باید به حساب ذخیره ارزی مراجعه کنیم... طرح تثبیت قیمتها حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال هزینه در بر دارد و این در بودجه عمرانی کاهش ایجاد می کند.» پس آماج اصلی برای تصاحب حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال است که دلالان بازار و بازرگانان محترک چشم به آن دوخته اند و توکلی به عنوان نماینده آنها درصد تامین منافع آنان است.

مگر نه اینکه حداد عادل رییس کنونی مجلس قبلاً گفته بود: «ما فرزند بازار هستیم» و بر همین اساس است که «فرزندان حق اولیای خود را» با غارت ثروت همگانی به جا می آورند. اتفاقاً در پاسخ به همین برآورد وزارت اقتصاد، مدافعان توکلی در دفاع از طرح تثبیت قیمت ها مقاله ای را در روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۱۳ دی ماه منتشر ساختند که در آن شخصی به نام سید امیر سیاح به همه مدافعان اقتصاد بازار اطمینان داده است که طرح مذکور خارج از دایره سیاستهای کلی نظام نیست. در این مقاله با صراحت قید گردیده: «برخلاف آنچه مخالفان مطلق انگار ادعا می کنند، این طرح قصد ندارد قیمت گذاری شبه سوسیالیستی دهه ۶۰ را احیا کند.» همچنین، ایسنا در تاریخ ۱۳ دی ماه ۸۳ از قول رییس کمیسیون بودجه مجلس هفتم، گزارش داد: «تلاش ما اینست که باید موانع سرمایه گذاری از بین برود... شعار برنامه چهارم توسعه همبستگی اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی (بخوان جهانی سازی امپریالیسم) است. در کنار طرح کاهش نرخ بهره بانکی و تثبیت قیمت ها، دوطرفه اقتصادی دیگر نیز از سوی توکلی و شرکا بیان گردید، یکی که کمتر بازتاب یافت عبارت بود از افزایش سرمایه صندوق صادرات و دیگری تعیین سقف مهریه زنان هنگام ازدواج در هر منطقه کشور متناسب با شرایط آن منطقه؟!»

در طرح اول بنا به پیشنهاد مرکز پژوهش های مجلس و شخص توکلی، قرار است از این پس افزایش سرمایه صندوق صادرات برای کمک به تجار جزیری از لایحه بودجه باشد. در جلسه شنبه ۱۲ دی ماه هیات مدیره صندوق ضمانت صادرات ایران، نمایندگان مجلس ارتجاع آمادگی برای همه گونه کمک به تاجران را با صراحت یاد آور شدند. مطابق آماری که مدیر عامل صندوق مذکور ارائه کرده است؛ با اقدامات و هماهنگی مجلس در سال اول اجرای برنامه چهارم توسعه حدود ۴۰۰ میلیون دلار تحت پوشش قرار خواهد گرفت. همین مقام سرمایه صندوق ضمانت صادرات را حدود ۷۰ تا ۷۲ میلیون دلار ارزیابی کرد و خاطر نشان ساخت ما صد درصد اصل و سود را تحت پوشش قرار می دهیم. اما جالب ترین نکته در این گردهمایی رابطه صندوق ضمانت صادرات، تجار بازار و احمد توکلی با پرونده شهرام جزایری معروف است. مدیر عامل صندوق ضمانت در گردهمایی ۱۲ دی ماه باتشکر از مرکز پژوهش های مجلس و ریاست آن احمد توکلی، در ارتباط با افزایش سرمایه صندوق گفت: «زیان حاصل از پرونده شهرام جزایری قابل بازیافت است، میزان بازگشت سرمایه صندوق در سال گذشته (۸۲) حدود ۹۰ درصد بود.»

یافتن رابطه میان فساد مالی و رشوه خواری گسترده با مرکز پژوهش های مجلس و کلاً نمایندگان ارتجاع البته کار دشواری نیست و رابطه مجلس با صندوق ضمانت صادرات و پرونده شهرام جزایری و تشکر از توکلی برای بازگشت ۹۰ درصد سرمایه فقط یک نشانه کوچک از تمام ماجرا است.

دومین طرح تعیین سقف مهریه در مناطق گوناگون، علاوه بر جنبه زن ستیزانه آن باز هم نظر به چند میلیارد تومان بودجه است که طبق این طرح از صندوق ذخیره ارزی به جیب گروهی از دلالان و روحانیون حامی آنها سرازیر خواهد شد. سخن از پیش از ۵ میلیارد تومان هزینه است!

در گرما گرم تبلیغات پُرسو صدای مجلس ارتجاع در دفاع از قشرهای محروم و به اصطلاح مخالفت با بانک جهانی که صرفاً دروغی ریاکارانه از سوی ارتجاع است، سپاه پاسداران یک قرارداد پرسود را به زیان منافع ملی ایران در منطقه گازی پارس جنوبی، همراه با شرکای خارجی، به امضاء نهایی رساند. ایسنا در ۱۴ دی ماه خبر داد، سپاه پاسداران همراه با شرکت صدرا در کنسرسیومی با مشارکت شرکت نروژی آکر کورنر، برنده مناقصه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی شدند. در اینجا البته آقای توکلی و شرکایش دیگر سنگ کشور و مردم را به سینه نمی زنند! اصولاً آنها در مجلس گردو غبار تبلیغاتی با هدف پنهان ساختن چنین روابطی پیا می کنند. علاوه بر این همزمان با سینه چاک کردن مجلس ارتجاع برای به اصطلاح تثبیت قیمت ها و خاک به چشم مردم پاشیدن «مجمع تشخیص مصلحت نظام» با هدایت ولی فقیه و رفسنجانی اصلاحات در ماده ۴۴ قانون اساسی را ادامه داد. مدیر کل معادن وزارت صنایع و معادن به تاریخ ۱۲ دی ماه به خبرگزاری ایلنا یاد آور شد: «باتغییرات انجام شده در اصلاح قانون معادن و باتوجه به اصلاحات ماده ۴۴ قانون اساسی، وضعیت واگذاری معادن به بخش خصوصی بهبود می یابد... در آینده نزدیک معادن مس، آلومینیوم، آهن و شرکتهای وابسته به آنها به بخش خصوصی واگذار می شود.»

در این زمینه برای آنکه سخن به دراز نکشد موضع گیری با هنر، از چهره های موثر ارتجاع و عضو هیات ریسه مجلس، خواندنی است. او اعلام کرد که: «ما طرفدار خصوصی سازی هستیم... اقتصاد، رونق و توسعه را بخش خصوصی می سازد، دولت هم باید حامی باشد. حتی شاید درگیری ما با دولت آقای مهندس میرحسین موسوی بر سر همین مطلب بود. آنها طرفدار اقتصاد دولتی و ما طرفدار اقتصاد خصوصی بودیم... ما منهای مجلس در مجمع تشخیص مصلحت نظام در همین ماه های اخیر سیاست های حاکم بر اصل ۴۴ را تصویب کردیم. از لحاظ خصوصی سازی که به آن سوی قضیه رفتیم یعنی آفندر مصوبات باز، شفاف و طراوت و روشنی بود که بسیار از کسانی که طرفدار خصوصی سازی بودند را راضی کرد.»

بنابراین مسأله روشن است که هدف به هیچ رو مخالفت با خصوصی سازی و سیاست های بانک جهانی، علیرغم تبلیغات پُرسو صدای کنونی، نیست. رفسنجانی نیز در همین رابطه در مصاحبه اختصاصی خود با دنیای اقتصاد به تاریخ دوشنبه ۱۴ دی ماه با اطمینان می گوید: «این طور نیست که چند نفر بتوانند سیاست های کلان

ادامه «سونامی دیگر»، نولیرالیزم...

کممک «سخاوتمندانۀ» کنونی دولت بلر یک شانزدهم هشتصد میلیون پوندی است که این دولت در راه بمباران عراق، پیش از اشغال، مصرف کرد و چیزی در حدود یک بیستم هدیه یک میلیارد پوندی است که به عنوان وام به ارتش اندونزی داد تا بتواند جنگنده بمب افکن های هاوک بخرد. به گزارش نشریه «جاکار تا پست»، یک ماه پیش از رخداد سونامی، دولت بلراز یک نمایشگاه تسلیحاتی در جاکار تا حمایت کرد که با هدف برآوردن یک نیاز ضروری نیروهای مسلح اندونزی و برای بررسی توانایی های دفاعی آن طراحی و تشکیل شد. ارتش اندونزی، که مسئول نسل کشی در «تیمور شرقی» است، بیشتر از بیست هزار غیر نظامی و «یاغی» را در «آسه» کشته است. از جمله شرکت کنندگان در نمایشگاه تسلیحاتی جاکار تا، شرکت رولز رویس، سازنده موتور موشک های هاوک بود، که تا همان روزی که سونامی استان «آسه» را ویران کرد، از آن به همراه مسلسل ها، مهمات و زره پوش های اسکورپیون انگلیسی برای ترور و کشتار مردم «آسه» استفاده می شد. دولت استرالیا، که این روزها به خاطر کممک پولی بزرگش در پاسخ به فاجعه تاریخی ای که گریبانگیر همسایه های آسیایی اش شده است، غرق در غرور و سربلندی است، در پنهان به تربیت نیروهای ویژه کویاسوس اندونزی مشغول بوده است که جنایت هایش در «آسه» بر کسی پوشیده نیست.

این هم جزئی از پشتیبانی چهل ساله استرالیا از حکومت سرکوب در اندونزی است، از جمله و بویژه در حمایت بی چون چرا از سوهارتوی دیکتاتور، در حالی که نظامیان او یک سوم جمعیت تیمور شرقی را قتل عام کردند. دولت جان هاوارد، که شهرتش در زندانی کردن کودکان پناهجو است، در حال حاضر با امتناع از دادن حق نفت و گاز به تیمور شرقی، که در چیزی در حدود هشت میلیارد دلار می شود، قوانین دریایی بین المللی را زیر پا می گذارد.

بدون داشتن این پول، تیمور شرقی که فقیرترین کشور دنیا است، نخواهد توانست مدرسه، بیمارستان و جاده بسازد و یا اشتغال برای جوانانش فراهم کند که ۹۰ درصدشان بیکار هستند. کوس رسوایی نفاق، خودپرستی و تبلیغات فریب دهنده حاکمان نولیرالیزم جهان و جیره خواران آنها همه جا زده شده است. مبالغه درباره نیت های بشردوستانه اینان در حالی در بوق و کرنا دمیده می شود که تقسیم بشریت به قربانیان ارزشمند و بی ارزش در اخبار حاکم است.

قربانیان یک فاجعه بزرگ طبیعی ارزشمندند، اگرچه معلوم نیست برای چه مدت، در حالی که قربانیان فاجعه های بشر ساخته امپریالیستی بی ارزشند و به ندرت ذکری از آنها به میان می آید.

به دلایلی، گزارشگران نمی توانند آنچه را که در «آسه»، و با حمایت دولت انگلیس می گذشته است گزارش کنند. این آینه اخلاقی یک طرفه به آنها اجازه می دهد که یک جریان قتل عام و خونریزی را که سونامی دیگری است، نادیده بگیرند. وضعیت اسفناک افغانستان را در نظر بگیرید که در آن آب تمیز چیز ناشناخته ای است و مرگ بر اثر زایمان امری عادی است. در کنفرانس «حزب کارگر» در سال ۲۰۰۱ تونی بلر جهاد مشهورش را برای «نظم دوباره جهان» با این وعده به مردم افغانستان اعلام کرد که: «ما تعهد می کنیم که کنار نکشیم... با شما همکاری خواهیم کرد تا راهی پیدا کنیم برای بیرون رفتن از فقری که وجود شما را فرا گرفته است.»

دولت بلر تازه در اشغال افغانستان شرکت کرده بود که در آن بیشتر از بیست هزار غیر نظامی کشته شدند. از بین همه بحران های بزرگ بشری که تاریخ به یاد دارد، به افغانستان از همه بیشتر آسیب و صدمه وارد شده است و از همه کمتر کممک شده است. فقط ۳ در صد از تمام

کممک های بین المللی خرج شده در افغانستان در راه بازسازی مصرف شده است، در حالی که ۸۴ درصد مخارج ائتلاف نظامی به سرکردگی آمریکا بوده است و بقیه برای کممک های اضطراری نگه داشته شده است. آنچه اغلب به عنوان کممک برای بازسازی معرفی می شود سرمایه گذاری خصوصی است، مثل ۳۵ میلیون دلاری که صرف ساختن یک هتل پنج ستاره خواهد شد که به طور عمده پذیرای خارجیان خواهد بود. یکی از مشاوران وزارت امور روستایی در کابل می گفت که دولت چیزی کمتر از بیست درصد از کممکی را که به افغانستان قول داده شده بود دریافت کرده است. «ما حتا پول کافی برای پرداخت حقوق ها نداریم، چه برسد به بازسازی.» دلیل ناگفته این است که افغان ها بی ارزش ترین قربانیان هستند. وقتی که هلیکوپتر های توپدار آمریکایی به کرات یک روستای کشاورزی دور افتاده را به مسلسل بستند، و ۹۳ غیر نظامی را کشتند، یکی از مقام های پنتاگون چنین گفت: «مردم آنجا مرده اند چون ما مرگ آنها را می خواستیم.» سونامی دیگری را زمانی شناختم که در سال ۱۹۷۹ از کامبوج گزارش تهیه می کردم. در پی یک دهه بمباران آمریکا و بربریت «پل پت»، کامبوج به اندازه «آسه» امروز ضربه خورده و ویران بود.

بیماری در پی قحطی آمده بود و مردم همه دچار یک ضربه روانی جمعی شده بودند که کمتر کسی می توانست آن را توضیح دهد. با وجود این، نه ماه پس از سقوط رژیم «خمر سرخ»، هیچ کممک موثری از سوی دولت های غربی نرسید. در عوض، یک تحریم چینی غربی بر کامبوج تحمیل شد که به طور کل جلوی هر گونه کممکی را گرفت. مشکل کامبوجی ها این بود که نیروی رهایی بخش آنها، یعنی ویتنامی ها، به تازگی از کار بیرون کردن آمریکا از کشورشان رها شده بودند. به این ترتیب، آنها قربانیانی بی ارزش و «مصرف شدنی» منظور شدند. محاصره ای مشابه این، که تا حد زیادی هم مسکوت نگه داشته شد، طی سال های دهه ۱۹۹۰ بر عراق تحمیل شد که در جریان «آزادسازی» آمریکایی - انگلیسی شدت گرفت. سپتامبر گذشته، یونسف گزارش داد که پس از اشغال، سوء تغذیه در بین کودکان عراقی دو برابر شده است. میزان مرگ و میر کودکان اینک در حد بروندی، و بیشتر از هائیتی و اوگاندا است.

فقر کمرشکن و کمبود مزمن دارو در عراق وجود دارد. میزان بیماری های سرطانی، و بویژه سرطان سینه، به سرعت رو به افزایش است. آلودگی رادیواکتیو فراگیر است. بیشتر از هفتصد مدرسه بر اثر بمباران خراب شده اند. از میلیاردها دلاری که گفته می شد برای بازسازی در نظر گرفته شده است، فقط ۲۹ میلیون دلار مصرف شده است که بیشتر آن خرج مزدوران محافظ خارجیان شده است. در اخبار غربی این خبرها کمتر ذکر می شوند.

سونامی دیگری که همه جهان را فرا گرفته نولیرالیزم است که هر روز ۲۴۰۰۰ قربانی بر اثر فقر و بدهکاری می گیرد که از محصولات این مکتب اند. سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ به این امر اعتراف کرد وقتی که کنفرانسی از کشورهای ثروتمند را در پاریس فرا خواند تا «برنامه عملی» برای نجات فقیرترین کشورهای جهان اجرا کنند. یک دهه بعد از آن، دولت های غربی به هیچ یک از تعهد هایشان عمل نکرده اند و گفته صدر اعظم انگلستان درباره این که کشورهای گروه ۸ مثل انگلستان در رویای پایان دادن به فقر هستند، چیزی بیش از یک شعار توخالی نیست. حتا یک دولت هم، حداقل تعیین شده توسط سازمان ملل را رعایت نکرده که در حد اختصاص رقم ناچیز ۷ دهم درصد در آمد ملی برای کممک به کشورهای فقیر بوده است.

بریتانیا فقط ۳۴ صدم در صد می دهد، و در واقع وزارت توسعه بین المللی اش چیزی بیشتر از یک مضحکه نیست. آمریکا ۱۵ صدم درصد می دهد که پایین ترین رقم در بین کشورهای صنعتی است. آنچه پنهان از دید غربیان و غیر قابل تصور برای آنان است، این واقعیت است که میلیون ها نفر از مردم جهان می دانند که وجود و حیاتشان «مصرف شدنی» فرض شده است. در جایی که تعرفه ها و سوبسید های مواد غذایی و سوخت تحت فشار صندوق بین المللی پول حذف می شوند، کشاورزان کوچک و بی زمین می دانند که با فاجعه روبه رویند، و به همین دلیل است که خودکشی در بین کشاورزان همه گیر است. به

ادامه «سونامی دیگر»، نولیرالیسم ...

گفته سازمان تجارت جهانی، فقط کشور های ثروتمند مجازند کشاورزی و صنعت ملی شان را محافظت کنند. فقط آنانند که حق دارند صادرات گوشت، غله و شکر را سوبسید کنند و آنها را به قیمت های عمداً پایین آورده شده به بازار های کشورهای فقیر سرازیر کنند، و به این ترتیب اقتصاد و زندگی آنها را تباه کنند. اندونزی که زمانی از سوی بانک جهانی به عنوان شاگرد نمونه اقتصاد جهانی از آن نام برده می شد، نمونه بارز این مطلب است. بسیاری از آنانی که در روز بعد از کریسمس در سوماترا در دریا لرزه از بین رفتند، پیش از آن بر اثر سیاست های صندوق بین المللی پول مال و دارایی شان را از دست داده بودند. میزان وام های خارجی اندونزی، که هیچگاه امکان باز پرداخت آن را نخواهد داشت، رقم ۱۱۰ میلیارد دلار است.

با استناد به گزارش توسعه سازمان ملل، موسسه منابع جهانی می گوید که آمار این «سونامی» ساخته دست انسان به مرز مرگ و میر سالانه ۱۳ تا ۱۸ میلیون کودک یا ۱۲ میلیون کودک زیر پنج سال می رسد. مایکل مک کیلنی، دانشمند علوم اجتماعی استرالیایی، می نویسد: «چرا ۱۰۰ میلیون قربانی جنگ های رسمی سده بیستم باید نسبت به آمار مرگ و میر سالیانه کودکان بر اثر برنامه های تعدیل ساختاری از ۱۹۸۲ به بعد مورد توجه بیشتری باشند؟» این که نظامی که باعث و بانی این وضع است لاف دموکراسی می زند مضحکه ای است که مردم سراسر دنیا هر چه بیشتر به آن پی می برند. همین آگاهی و هوشیاری فزاینده است که بیشتر از هر چیز امیدوار کننده است. از زمانی که گزمکان واشنگتن و لندن با سوء استفاده از همدردی جهانی با قربانیان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به کارزارشان برای تسلط بر دنیا شتاب دادند، یک بینش و آگاهی عمومی در دنیا پدید آمد که بوش و بلر را دروغگو می بیند و کردار ناپسند آنها را جنایت می داند.

کمک های فراوان کنونی مردم عادی در کشورهای غربی برای قربانیان «سونامی» نمایش اعاده رفتار و اخلاق و سیاست هایی در سطح جامعه و بین المللی است که در تبلیغات دولت ها و شرکت های بزرگ از آنها دریغ می شود. وقتی به حرف های توریست هایی گوش می دهی که از کشورهای آسیب دیده بازگشته اند، و در می یابی که چگونه با آغوش باز مورد لطف مردم این فقیرترین کشورها قرار گرفته اند و به آنها پناه داده شده است، آنگاه است که به تضاد بین این سیاست و سیاستی پی می بری که فقط آزمندان برایش مهم است.

آرونداتی روی (نویسنده) خشم مخالفت با جنگی را که دو سال پیش دنیا را در بر گرفت این گونه توصیف می کند: «با شکوه ترین نمایش اتحادی که دنیا تا کنون به خود دیده است.» به تخمین یک بررسی انجام شده در فرانسه، در آن روز، یعنی ۱۵ ماه فوریه ۳۵ میلیون نفر در تظاهرات شرکت کردند و تا آن روز چنین چیزی اتفاق نیافته بود - و تازه آن آغاز کار بود. این امر تازه ای نیست. نوزایی انسان پدیده تازه ای نیست، بلکه ادامه مبارزه ای است که گاهی به نظر می آید متوقف و فراموش شده است، ولی آتش زیر خاکستر است. آمریکای لاتین را در نظر بگیرید که برای مدتی طولانی در غرب نامرئی و «مصرف شدنی» محسوب می شد. به نوشته ادواردو گالیانو، «آمریکای لاتینی ها برای ناتوان بودن تربیت شده بودند. تربیتی که از دوران استعمار به جا مانده بود، و توسط سربازان خشن، معلمان بزدل، و سرنوشت گریان بی مایه آموزش داده شده بود، این اعتقاد را در روح و جانمان رسوخ داده بود که واقعیت تغییر ناپذیر است و تنها کاری که ما می توانیم بکنیم این است که غم و اندوهی را که هر روز بر ما نازل می شود در آرامش و سکوت فرودهیم و بپذیریم.»

گالیانو نوزایی یک دموکراسی واقعی در کشورش اوروگوئه را جشن می گرفت، جایی که مردم «برضد ترس»، و علیه خصوصی سازی و ناعدالتی همراه آن رأی داده اند. در ونزوئلا انتخابات محلی و ایالتی در ماه اکتبر نهمین پیروزی را برای تنها دولتی در جهان به همراه داشت که نادرترین

مردمش را در ثروت ناشی از نفتش شریک می کند. در شیلی، آخرین فاشیست های نظامی که از سوی دولت های غربی، و بویژه دولت خانم تاچر، حمایت می شدند و می شوند از سوی نیروهای دموکراتیک تازه نفس گرفته تعقیب می شوند. این نیروها بخشی از جنبش ضد نابرابری و فقر و جنگ هستند که در شش سال گذشته اوج گرفته و اکنون فراگیرتر، متشکل تر، بین المللی تر و پذیرا تر از همیشه نسبت به تفاوت ها شده است.

این جنبشی است به دور و سوی لیبرالیسم غربی که معتقد است گونه برتری از حیات را نمایندگی می کند - و این چیزی نیست جز شکل دیگری از استعمار. همان گونه که قضیه فتح عراق هر چه بیشتر رسوا می شود، این سیستم برتری طلبی و بینواسازی هم می تواند رسوا و از هم پاشانده شود.

به نقل از روزنامه «مورنینگ استار»، وابسته به حزب کمونیست انگلستان

ادامه شکل گیری جبهه مقاومت در آمریکا ...

که حکم آن نجات زندگی و سیاره ماست.» (خبرگزاری ونزوئلا ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴)

او در ادامه توضیح داد که دو کشور، قرار داد ALBA را تنها آلترناتیو در برابر FTAA می دانند و آن را در برابر سیاست های نئولیبرالیستی ایالات متحده قرار می دهند. طی ده سال اخیر، چاوز بیش از ۱۱ بار از کوبا دیدن کرده است و قول داده است تا این دیدارها را همیشه تازه کند.

«ده سال دیگر، در سال ۲۰۱۴ ما به یاد خواهیم آورد که در سال های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ چه چیزهایی را گفته ایم، می خواهیم با نگاه به گذشته، از پیامدهای حرکت های خود انتقاد کنیم... ما در سال ۲۰۲۴ نیز در این جا خواهیم بود، حتی اگر جسماً نتوانیم در این جا حضور بیابیم.» (همانجا)

دولت ونزوئلا در ادامه چنین سیاست هایی اعلام کرد که سهمیه بیشتری از نفت را در اختیار چین قرار خواهد داد تا در همکاری با چین، وابستگی های خود به بازار های آمریکا را کاهش دهد. چاوز این خبر را در ملاقات خود از چین که در دسامبر صورت گرفت، اعلام کرد. چاوز در ملاقات با «هیوجین تائو»، رئیس جمهور چین، ۸ قرارداد همکاری امضا کرد که آن را یک «اتحاد استراتژیک» نامید. چاوز گفت که «ونزوئلا خیلی مایل است تا به رشد اقتصادی چین کمک کند، چرا که به نوبه خود به توازن (قدرت) در جهان کمک خواهد کرد.» (خبرگزاری ونزوئلا ۲۵ دسامبر)

دولت ونزوئلا در ادامه کارزار مبارزاتی خود علیه فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا، در راه کاستن روابط بازرگانی با آمریکا، قرارداد تسلیحاتی جدیدی را با روسیه به امضا رسانده است که طبق آن ونزوئلا ۴۰ هلی کوپتر و بیش از یکصد هزار اسلحه از روسیه خریداری کرده است. همچنین مذاکراتی برای سفارش ۵۰ فروند هواپیمای پیشرفته جنگی میگ-۲۹ نیز در جریان است.

چنین تلاشی، ادامه دهنده سیاست های چاوز برای ایجاد و شرکت در یک بلوک نظامی، سیاسی و اقتصادی در برابر امپریالیسم آمریکاست تا بتوانند در برابر سیاست های آمریکا برای انحصاری کردن قدرت در جهان، سد ایجاد کنند و در این راه علاوه بر ایجاد اتحاد اقتصادی، سیاسی در منطقه، ایجاد آلترناتیو جهانی را نیز ضروری می شمارد و در این راستا چین را به عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی رو به تحول، بهترین گزینه می داند.

همکاری های رو به گسترش کوبا و ونزوئلا و سیاست های مردمی و متکی به خلق آن ها و شرکت فعال در عرصه های بین المللی در برابر تحریکات خصمانه آمریکا، نشان داده است که به رغم وسعت کم این دو کشور، با اتخاذ سیاست های منطقی و صلح جویانه و با اتکا به نیروی مردمی و شرکت دادن آن ها در عرصه های اجتماعی و سیاسی، می توان در برابر تحریکات امپریالیسم ایستادگی کرد و در کنار آن «جهانی دیگر» را ساخت و به سایر مردم جهان نیز معرفی کرد.

ادامه آمادگی رفسنجانی و شرکاء...

هستم، اما جریان را (منظور ادامه برنامه های گذشته که همان برنامه اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای ایران است) تکاملی و بازگشت ناپذیر می دانم... این طور نیست که نظام نمی خواهد بخش خصوصی شکل بگیرد. این تفسیر که می گوید نظام نمی خواست بخش خصوصی شکل بگیرد نادرست است.»

رفسنجانی سپس در ارتباط با روابط خارجی و در دفاع از برنامه های اقتصادی- اجتماعی فاجعه بار رژیم ولایت فقیه می گوید: «برای برداشتن گام های بلند، باید روابط خارجی ما تلطیف شود، بالاخره صادرکنندگان ما (بخوان تجار و دلالان برای واردات) به بازارهای جهانی نیاز دارند که باید این راه را دولت از طریق دیپلماسی برای آن هموار کند... الان فضا برای استفاده از سرمایه های بخش خصوصی چه داخلی و خارجی مهیاست و اگر مدیریت شکل بگیرد که این فضا را تقویت کند، قول می دهم در چهار سال آینده اتفاقات مهمی بیفتد و کشور گام بزرگی بردارد.» رفسنجانی در خصوص روابط با جناح های دیگر تاکید می کند: «در این شرایط طرد کردن و منزوی نمودن نیروی کاردان را از هر جناحی که باشند، مصلحت نمی دانم و تفکر معتدل و سعه صدر را در مدیریت کشور بسیار مهم می دانم.»

به این ترتیب رفسنجانی بطور روشن دیدگاه خود را بیان کرده و جایگاه خود را بدون ذره ای تغییر مشخص می کند. جایگاهی که بی شک در مرزبندی نیروهای آزادیخواه و ارتجاعی، در جبهه نیروها مرتجع و مردم ستیز قرار دارد. مواضع رفسنجانی در مصاحبه اش با روزنامه «دنیای اقتصاد» حاوی نظرات جدیدی نیست بلکه در واقع ادامه همان نظرات و سیاست هایی است که او همواره و خصوصاً در دوران ریاست جمهوری گذشته اش دنبال کرده است. سیاست هایی که ما به موقع خودش در ارزیابی آنها اعلام کردیم که ثمره ای جز ورشکستگی اقتصادی، با ده ها میلیارد دلار بدهی خارجی، تشدید دره عظیم فقر و محرومیت با ثروت و تخریب زیر ساختار تولیدی کشور نداشته و نخواهد داشت. مردم ما فراموش نکرده اند که پس از سال های تبلیغات «گوبلزی» رفسنجانی درباره شکوفایی اقتصادی ایران و دست آوردهای «سردار سازندگی» وقتی آقای خاتمی اداره امور را به دست گرفت در نخستین گزارش خود به مردم وضعیت اقتصادی ایران را به شدت بحرانی و بیمار معرفی کرد.

نقش رفسنجانی و کارگزاران او در وضعیت بحرانی سیاسی کنونی کشور کاملاً روشن است. هدف «حفظ نظام» و نجات آن از بحران شدید کنونی است. آن دسته از افرادی که با ظاهر مردم پسند و اصلاح طلب حضور او را بسود مقاصد دموکراتیک مردم ایران معرفی می کردند و می کنند با تحریف و دروغ بافی درباره پیشینه سیاسی و عملکرد او عملاً آتش بیار معرکه یی هستند که ارتجاع حاکم گرداننده اصلی آن است. روزنامه شرق در سرمقاله شماره ۱۲ دی ماه ۸۳ با عنوان «با راست برخاستن یا با چپ نشستن» به ارزیابی کارنامه رفسنجانی پرداخته و در دفاع از حضور وی در انتخابات و آرزوی پیروزی او می نویسد: «... هاشمی (رفسنجانی) شیخ عمل گرایان بود... شیخی که برخلاف هم صنفان خویش رای مردم را طی ۲۰ سال پایه ورود خویش به سیاست قرارداده بود... همزمان میانه رو و انقلابی بودن، همواره روحانی و تکنوکرات ماندن، همیشه با راست نشستن و با چپ برخاستن، زمانه انتخابات هاشمی رفسنجانی فرارسیده است، باید

خویش را در این عصر جدید از نو تعریف کند، انتخابی و تعریفی برای همیشه!»

باید به مقاله نویسنده روزنامه شرق متذکر شد که با اندکی تلاش و مراجعه به گذشته ای نه چندان دور می توان «انتخاب» رفسنجانی را به وضوح دید و جایگاه او را در تحولات تاریخ ۲۵ ساله کشور تعیین کرد. عملکرد رفسنجانی در حساس ترین مقاطع تاریخ ۲۵ ساله گذشته همواره و بدون تزلزل در راستای منافع رهبری ارتجاع حاکم، که خود او بخش مهمی از آن است بود و در آینده نیز چنین خواهد بود. نقش رفسنجانی در برکناری آیت الله منتظری به دلیل مخالفت او با کشتار زندانیان سیاسی که خامنه ای و رفسنجانی نقش عمده یی در آن داشتند، نقش رفسنجانی در طولانی تر کردن جنگ تحمیلی و تخریب های منتج از آن، نقش رفسنجانی در سرهم بندی کردن رهبری جدید رژیم ولایت فقیه پس از مرگ خمینی و سپس پاکسازی بخش هایی از حاکمیت و سپس دوران فاجعه بار ریاست جمهوری است که به اندازه کافی گویای مواضع و جایگاه او در تاریخ معاصر میهن ماست و نیازی به باز تعریف و روایت نوین ندارد.

در بحران سیاسی کنونی و با توجه به انزجار عمیقی که مردم از رهبران ارتجاع و خصوصاً چهره های منفوری همچون لاریجانی، ولایتی، و دیگران دارند به صحنه آمدن رفسنجانی به عنوان «شیخ میانه رو و پراگماتیک» که می تواند زمینه ساز «وفاق جناح ها باشد» تنها و تنها به خاطر تخفیف بحران و آرام کردن اوضاع بحرانی جامعه ماست. حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در تأیید همین نظر به روشنی اعتراف می کند که: «اگر انتقال قدرت در کشور صورت نگیرد در نهایت بروز مشکلاتی را در پی دارد، انتقال قدرت باید عادلانه و به خوبی صورت بگیرد و این امر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.»

ورود برنامه ریزی شده رفسنجانی به صحنه و تبلیغات همه جانبه درباره او به عنوان نامزدی که می تواند اوضاع به هم ریخته کنونی را آرام کند با هدف فریب مردم و تحمیل نامزدی اش به جناح های دیگر رژیم صورت می گیرد. بررسی اوضاع کنونی و اگر این روند با دشواری هایی روبه رو نشود حاکی از این است که رفسنجانی با شکیبایی و حوصله و تدارک وسیع و پشت گرمی به محافل پرنفوذ درون حاکمیت با وجود مخالفت گروهی از جناح ذوب در ولایت، آرام آرام به سوی قدرت و اشغال کرسی جمهوری می خزد.

آینده ای که ارتجاع، با حضور مجدد رفسنجانی، در مقام ریاست جمهوری ایران، در صدد رقم زدن است، گام های بزرگ نه به پیش بلکه به پس و اتفاقات ناگوار برای کشور و مردم است.

ادامه نگاهی به مصوبات اقتصادی...

اقتصادی را به هم بریزند. ممکن است به صورت موقعی و در مواقعی مانند انتخابات حرکت هایی بشود اما سیاست های کلی... ادامه خواهد یافت.»

برای آنکه بهتر و دقیق تر به مضمون و محتوی این مانورهای بی بریم سخنان محمدرضا خاتمی جالب توجه است. او در این خصوص می گوید: «... نوعی تقسیم کار صورت گرفته و عده ای قرار است شعار اقتصادی بدهند و باین شعارها در انتخابات ریاست جمهوری برای جناح خود رای جمع کنند، عده ای دیگر قرار است امروز سکوت کنند... اگر پیروز شدند... آن وقت همه قوانینی که امروزه وضع می شود به ناگهان دگرگون خواهد شد...»

کوتاه سخن: مصوبات و لوایح اخیر، صرفاً مانورهای سیاسی و قدرت نمایی در آستانه انتخابات به شمار می آیند. ضمن آنکه چنین مصوباتی به زیان مردم میهن ما و به سود رانت خواران، دلالان و بازاریان است و منافع آنها را تأمین می کند!

شکل گیری جبهه مقاومت در آمریکای لاتین

در حالی که «وال استریت» و «پنتاگون» در تلاشند تا سیاست های مخرب و جهان گسترانه آمریکا را از طریق گسترش و چرخش آزادانه سرمایه و جنگ های بی پایان، به مردم جهان تحمیل کنند، سیاست هایی که نتیجه آن ها بدبختی و فقر و مرگ روز افزون برای صدها میلیون انسان در کره خاکی ما شده است، دو کشور کوچک در نزدیکی آمریکا، کوبا و ونزوئلا، از طریق عقد قراردادهای قطع نامه های مشترک در مورد جایگزینی آلترناتیوی در برابر طرح های آمریکا برای منطقه، درسی از تمدن، امید و احترام را به جهانیان نشان دادند. کوبا و ونزوئلا در اواخر آذرماه، به پیشنهاد «هوگو چاوز» و در مقابله با سیاست های نئولیبرالیستی امپریالیسم آمریکا در منطقه، سیاست های فلاکت باری که بدبختی و نابسامانی فزاینده ای را بر منطقه حاکم کرده است، قراردادی موسوم به ALBA را به امضا رساندند. آمریکا در چند سال اخیر تلاش کرده است تا با الحاق آمریکای جنوبی و لاتین و منطقه کارائیب، از طریق ایجاد قرار دادهای منطقه ای تحت عنوان «موافقتنامه مناطق آزاد تجاری»، از جمله قرار داد «موافقتنامه منطقه آزاد تجاری آمریکا» (FTAA)، این سیاست را هرچه سریع تر و خشن تر به پیش ببرد.

موافقتنامه بین کوبا و ونزوئلا (ALBA) تنها یک قرارداد تجاری نیست، بلکه جایگزینی در برابر FTAA و هدف آن همکاری و مشارکت کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بر اساس احترام متقابل و حقوق برابر در ضمن حفظ حق حاکمیت ملی همه کشورهاست. این طرح در راستای برنامه های چاوز برای آمریکای لاتین است، برنامه هایی که او در خلال اجلاس و کنفرانس های سران کشورهای منطقه و کنفرانس های اقتصادی معرفی کرده است. بر اساس این طرح ها کوبا و ونزوئلا روند وحدت این کشورها را در منطقه رهبری خواهند کرد. این قرارداد در واقع از قدم های جدی و مهم برای روند همکاری های مشترک در منطقه است. در اواسط آذرماه گذشته، ۱۲ کشور آمریکای لاتین در کشور پرو معاهده «کازکو» (Cuzco) را به امضا رساندند که هدف آن ایجاد یک اتحاد از کشورهای آمریکای جنوبی، که در برگیرنده ۳۶۰ میلیون نفر است، بود. این کشورها بلافاصله ۳۱ برنامه عمرانی را برای بهبود شرایط کشورهای خود اعلام کردند. همچنین قبل از ملاقات پرو، قرارداد تجاری بین کشورهای کلمبیا، پرو، بولیوی، اکوادور، ونزوئلا، شیلی، برزیل، آرژانتین، اوروگوئه و پاراگوئه به امضا رسیده بود.

ونزوئلا قراردادهای تجاری خود با سایر کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب به طور چشم گیری افزایش داده است. چاوز همچنین پیشنهاد کرده است تا شرکت های نفتی منطقه، از جمله «پترو براس» برزیل و «پترو کاریب» ترینیداد و توباگو، با ادغام در یکدیگر، یک شرکت قدرتمند تر را تشکیل دهند. آغاز سال میلادی جدید همراه با بالا رفتن شاخص های اقتصادی ونزوئلا همراه بود. بیکاری و تورم کاهش نشان داده اند و استخراج نفت رو به افزایش گذاشته است. این ها زمینه های مناسبی بودند که منجر به ارایه طرح ۱۳ ماده ای ALBA از طرف ونزوئلا شدند. از جمله موارد مندرجه در این طرح ماده شماره ۲ است که در آن بر همکاری های تجاری، اقتصادی، علمی و تکنولوژیک تاکید شده است و این که همکاری های فوق بر اساس اصول همیاری صورت خواهند گرفت و مبادله کالا و خدمات نیز بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی هر دو کشور انجام خواهد شد.

در ماده پنجم نیز آمده است که، هر دو کشور در همکاری مشترک و در موازات با سایر کشورهای آمریکای لاتین، از طریق استفاده از شیوه های عملی در مقیاس وسیع، که اثر بخشی خود را نشان داده باشند، به مبارزه با بیسوادی خواهند پرداخت. این موافقتنامه نمونه بارزی از همکاری و همیاری انسانی بین دو ملت، در مقابله با قراردادهای اسارت بار و غارتگرانه سرمایه داری است. چنین قراردادهایی نشان می دهند که شیوه جدید زندگی در همکاری با سایرین و در مقابله با سیاست های آمرانه و سلطه جویانه امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، نه تنها برای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، بلکه برای بقیه جهان نیز امکان پذیر است. چاوز در سخنرانی که در تئاتر «کارل مارکس» هاوانا داشت، گفت که انقلاب ونزوئلا این خوشبختی را داشته است تا راه برادر بزرگتر خود، انقلاب کوبا، را ادامه دهد و اضافه کرد که: «انقلاب کوبا و انقلاب بولیواری ونزوئلا، نشان داده اند که یک دنیای جدید نه تنها ممکن است، بلکه کاملاً دست یافتنی نیز است. ... دنیایی متفاوت

ادامه کارزار کمونیست های عراقی ...

مساعده امنیتی و حق انتخاب از این نیروها حمایت خواهند نمود. لذا کمونیست ها تمام تلاش خود را در جهت جلب مردم به انتخابات و ایجاد اتحاد نیروهای مورد اعتماد مردم متمرکز کرده اند.

با این درک می توان دید که برنامه ارائه شده از سوی جبهه اتحاد مردم بعلاوه در نظر گرفتن خواسته های عاجل و مبرم مردم در مورد ارتقا سطح زندگی، مشخصاً اهداف پایه ای برنامه را متوجه ایجاد ساختارهای مدنی در راستای تحولات بنیادی سیاسی اجتماعی عراق کرده است، برای مثال:

- ایجاد نظام فدرال و دموکراتیک بمنظور تضمین حقوق اجتماعی تمام شهروندان عراق.
- تلاش در راستای دستیابی استقلال عراق و نظارت کامل بر منابع ملی.

- دفاع از حقوق زحمتکشان و اقشار محروم جامعه.
- بازسازی نهادهای حکومت بر پایه حقوق شهروندان

- احترام به حقوق بشر و بر خورد قاطعانه با متخلفین.
- تضمین حقوق تمام ملیت ها.
- دفاع از حقوق زنان و ایجاد تساوی با مردان.

مسئله با وجود اوضاع کنونی و تا زمانی که عراق تحت اشغال امپریالیسم است و آمریکا اهداف مشخصی را در جهت اجرای انتخابات ۳۰ ژانویه دنبال می کند، نمی توان این انتخابات را کاملاً دموکراتیک دانست. ولی واقعیت موجود این است که این انتخابات اولین قدم و تنها گزینه موجود در برابر مردم و نیروهای دموکراتیک عراقی است. در جایی که امپریالیسم و نیروهای تروریستی بدون هیچ دغدغه و توجه به مردم و آینده عراق، این کشور را در جهت اهداف ضد مردمی خود به خاک و خون می کشند، هیچگونه مبارزه مسلحانه بدون پشتوانه مردمی نمی تواند جوابگو باشد.

در این مرحله مبارزه، تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری کمونیست های عراق منطبق با واقعیت موجود است و آن ها توانسته اند در مجموع برنامه سیاسی متناسب با شرایط عینی عراق را ارائه دهند. کمونیست های عراق نسبت به امکان موفقیت های خود در انتخابات و مشکلات بر سر راه واقع بین هستند ولی آنها به آینده خوشبین می باشند. البته این حقیقتی است که پاشنه آشیل سیاست نیروهای مترقی و مهمترین مساله این خواهد بود که دولت بعد از انتخابات ۳۰ ژانویه در شرایط دشوار موجود بتواند در جهت تامین خواسته های مردم اقدام نماید. حزب توده ایران با درک شرایط بغرنج عراق و بر پایه روابط برادرانه با حزب کمونیست عراق و همسنگی مبارزه جویانه بین المللی با مردم این کشور، مسئولانه تحولات بغرنج همسایه غربی میهن مان را دنبال می کند. ما حمایت خود را از مبارزه حزب کمونیست عراق و امید خود به پیروزی مردم عراق و نیروهای دموکراتیک این کشور اعلام می کنیم.

کارزار انتخاباتی کمونیست های عراق:

«مبارزه ای بین مرگ و زندگی»



شک با در نظر داشتن اهداف استراتژیک آمریکا در عراق و در منطقه، همینطور ترکیب نیروهای سیاسی درون عراق، برنامه حزب کمونیست در مورد پیوستن به

دولت موقت و شرکت در انتخابات آتی با مسائل مهم و بغرنجی رو برو است. این سیاست از یکسویه برون رفت را تنها در چارچوب اتحاد نیروهای مترقی دموکراتیک و ملی می داند و معتقد است ایجاد امنیت اجتماعی و ملی در چارچوب نهادهای دموکراتیک با هدف حذف کامل امکان برگشت دیکتاتوری در درجه اول اولویت قرار دارد. از سوی دیگر در مورد نیروهای اشغالگر، حزب این مساله را مطرح می سازد که بر اساس قطعنامه ۱۵۴۶ دولت موقت نمی تواند از نیروهای اشغالگر بخواهد این کشور را ترک نمایند. ولی دولت منتخب بعدی بر طبق این قطعنامه با در نظر گرفتن اوضاع امنیتی می تواند اجازه حضور نیروهای خارجی را لغو نماید. بر پایه این چنین درکی است که حزب کمونیست به رابطه بین تروریسم و اهداف کوتاه و دراز مدت آمریکا اشاره می نماید. حزب کمونیست در مقابل این بحث که پیوستن آنها و دیگر نیروهای مترقی به دولت موقت و مخصوصاً شرکت در انتخابات آنها را در معرض اتهام همکاری با اشغالگران آمریکایی قرار می دهد، این مساله را عنوان می کنند: اکثریت مردم بخوبی می دانند دولت موقت متشکل از عناصری با کارنامه سیاه است که هیچ گاه تابحال در مبارزه با دیکتاتوری صدام کوچکترین قدمی برنداشته اند و حضور آنان در دولت موقت عمده تا برای منافع شخصی است. همینطور مردم دقیقاً بین این عناصر و شخصیت ها و نیروهای سیاسی مورد اعتماد و احترام توده ها تفاوت قائل می شوند و فعالیت آنها را به حساب فرصت طلبی نمی گذارند و در صورت وجود شرایط

ادامه در صفحه ۷

با وجود تشدید حملات خونین تروریستی در عراق و ایجاد شرایط بسیار خطرناک و بغرنج در این کشور، کمونیست های عراقی با تلاش و پشتکار کارزار وسیع انتخاباتی خود برای دستیابی به دموکراسی، عدالت اجتماعی و عراق آزاد را ادامه می دهند. قتل چند تن از رفقای عراقی در هفته های اخیر و تهدیدات مداوم تروریستی نه تنها باعث کاهش فعالیتهای انتخاباتی کمونیست ها نشده است، بلکه حزب کمونیست تنها نیروی سیاسی این کشور است که اخیراً با شجاعت راهپیمایی و همایش موفقیت آمیزی را در خیابان ها و استادیوم بغداد برگزار کرد.

فراخوان ششمین کنفرانس حزب کمونیست که در روزهای سوم و چهارم دیماه در بغداد برگزار شد از تمام اعضا، هواداران و دوستان حزب خواست با تمام قوا در انتخابات شرکت نمایند. این کنفرانس بنام «رفیق سعدون»، عضو برجسته هیئت سیاسی حزب که اخیراً بدست تروریست ها به قتل رسید، نام گذاری شده بود. کمونیست های عراق با برخورد واقع بینانه در مورد امکان پیروزی در اوضاع کنونی کشور وارد کارزار انتخاباتی شده اند. حزب کمونیست عراق با در نظر داشتن مبارزه پیچیده سیاسی مردم و نیروهای دموکراتیک عراق در مقابله با اشغالگران و بازماندگان بعثی و افراطیون مذهبی، معتقد است که تنها گزینش موجود در حال حاضر شرکت فعالانه در انتخابات ۳۰ ژانویه (۱۱ بهمن) است. شایان تذکر است که حزب کمونیست شرکت در انتخابات و دارا بودن یک کرسی در دولت موقت را تنها یکی از عرصه های فعالیت های خود می دانند. هدف اصلی حزب تشکیل و شرکت در اتحادهای سیاسی موثر بین نیروهای مترقی و دموکراتیک به منظور جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری و یا به قدرت رسیدن نیروهای مذهبی افراطی است. در این راستا حزب کمونیست با سازماندهی جبهه اتحاد مردمی متشکل از نیروهای سیاسی عرب ها، کردها، آشوری ها، مسلمانان شیعه و سنی و مسیحیان توانسته است ۲۷۵ نامزد انتخاباتی از قشرهای گوناگون و شخصیت های اجتماعی، ملی و مذهبی ارائه دهد. این لیست که شامل ۹۱ کاندید زن است تمامی حوزه های انتخاباتی عراق را تحت پوشش قرار می دهد.

به باور حزب کمونیست عراق وضعیت وخیم امنیتی موجود، ترکیب اعضای دولت موقت، اهداف و نقش مخرب آمریکا از معضلات اصلی بر سر راه برون رفت عراق از بحران کنونی است. رهبری حزب کمونیست بر این باور است که شرکت هر چه بیشتر شخصیت ها و نیروهای اجتماعی سیاسی مورد اعتماد و احترام مردم می تواند تاثیر کیفی در دولت آینده و طرز عملکرد اشغالگران داشته باشد. باید توجه داشت که کابینه دولت موقت عملاً هیچگونه حق تصمیم گیری در مورد مسائل امنیتی و نظارت اشغالگران ندارد. در مقابل «شورای امنیت ملی» به ریاست علاوی و چند عضو دست چین شده، به اصطلاح مسئول رابط با فرماندهی نظامی آمریکا است. حزب کمونیست معتقد است که اگر نیروهای مترقی و دموکراتیک نتوانند دولت موقت را با یک شورای انتقالی با مسئولیت تصمیم گیری جایگزین کنند وضع به شکل حاضر ادامه خواهد یافت و سررشته امور در دست آمریکا باقی می ماند. رهبری حزب کمونیست عراق با محکوم کردن قاطعانه فعالیتهای تروریستی که عمدتاً به کشته شدن مردم بی گناه منتهی میشود، آنرا باعث تداوم وضع موجود می داند و معتقد است که مردم عراق بدرستی تشخیص داده اند که عاملین آن جنایتکاران عوامل رژیم صدام و افراطیون مذهبی می باشند. بی

کمک های مالی رسیده

به مناسبت سالگرد حزب از کالیفرنیا ۳۲۰۰ دلار جمع آوری شده در جشن سالگرد
حزب در سوئد ۱۰۰ یورو
تعدادی از هواداران حزب از نیوجرسی ۴۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 704
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

18 January 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک